

عقیده دیوانه‌ای دربارهٔ عالم

گفت آن دیوانه را مردی عزیز
چیست عالم، شرح ده این مایه چیز
گفت هست این عالم پر نام و ننگ
همچون خلی بسته از صد گونه رنگ
گربه دست این نخل می‌مالد یکی
آن همه یک موم گردد بی‌شکی
چون همه مومست و چیزی نیز نیست
رو که چندان رنگ جز یک چیز نیست
چون یکی باشد همه، نبود دوی
نه منی برخیزد اینجا نه توی